Islam and Health Journal
Babol University of Medical Sciences

دانشگاه علوم پزشکی بابل، نشریه اسلام و سلامت
دوره اول، شماره اول، بهار ۹۳، صفحه: ۲۳-۱۶

سازگاری کرامت انسانی با شبیه سازی

دریافت مقاله: ۹۳/۱/۳۰ پذیرش مقاله: ۹۳/۲/۲۷

محمدهادی (بهروز) یدالله پور (PhD)[۱]
سید غلامعلی جورسرایی (PhD)[*۲]

۱. استادیار گروه آموزشی معارف اسلامی، دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران
۲. دانشیار گروه آموزشی علوم تشریحی، مرکز تحقیقات و بهداشت باروری و ناباروری حضرت فاطمه (س)، دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران

*نویسنده مسئول: سیدغلامعلی جورسرایی، گروه آموزشی علوم تشریحی، مرکز تحقیقات و بهداشت باروری و ناباروری حضرت فاطمه (س)، دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران

تلفن: ۳۲۱۹۹۹۳۶ ۱۱ ۹۸+
فاکس: ۳۲۱۹۲۰۳۳ ۱۱ ۹۸+
Email: alijorsara@yahoo.com

چکیده

سابقه و هدف: یکی از چالش های مهم عصر حاضر در علوم پزشکی، شبیه سازی انسان (Human Cloning) می باشد. این موضوع در میان پژوهشگران، فلاسفه اخلاق زیستی، عالمان دینی به ویژه فقهای شیعه و اهل سنت، سئوالات زیادی را به دنبال داشته است. از آنجایی که یکی از مهم ترین دلیل مخالفان شبیه سازی، تعارض و عدم سازگاری آن با کرامت انسانی است، این مطالعه به سازگاری و عدم تعارض شبیه سازی با کرامت انسانی، می پردازد.

مواد و روش ها: با طراحی این مطالعه بر اساس اطلاعات موجود، سعی شده تا کرامت انسانی با استفاده از آیات قرآن، احادیث، آراء عالمان دینی و الهی دانان، مورد ارزیابی قرار گیرد. همچنین از مقالاتی که در زمینه شبیه سازی نظراتی را ارائه کرده بودند، استفاده لازم صورت پذیرفت.

یافته ها: از نگاه قرآن کریم، انسان صاحب کرامت ذاتی است. شبیه سازی، شرایط یکسانی را در حفظ کرامت جنین با مراحل لقاح خارج رحمی دارد. هویت ژنتیکی یکسان، ناقض هویت شخصی فرد نخواهد بود. در شبیه سازی، انحصار سیستم ژنتیکی به چالش کشیده می شود و ارتباط خاصی به شخصیت کلی انسان ندارد. شکل گیری شخصیت فرد شبیه سازی شده در محیط زندگی، کرامت انسانی او را نیز صیانت می کند. هیچ یک از فقهای شیعه، نقض کرامت انسان را دال بر حرمت شبیه سازی، اعلام نکرده اند. شبیه سازی انسان مغایرتی با کرامت او ندارد.

نتیجه گیری: با بررسی دقیق در مسأله شبیه سازی، عدم تعارض آن با کرامت انسانی بدست می آید. ادله اخلاقی ارائه شده درمخالفت با شبیه سازی انسان، از اتقان لازم برخوردار نیست. به نظر می رسد دلیل محکم عقلی و نقلی در ناسازگاری شبیه سازی انسان با کرامت ذاتی او وجود ندارد.

واژگان کلیدی: قرآن، اخلاق، کرامت انسانی، شبیه سازی

مقدمه

به دنبال توسعه و پیشرفت علوم زیستی در قرن اخیر و دخالت بشر در برخی از مسائل مربوط به زندگی انسان، موجب گردیده تا بسیاری از اندیشمندان و پژوهشگران عصر حاضر، نگرانی خود را در حوزه های اخلاقی و اجتماعی ابراز دارند. موضوعاتی مانند قتل ترحمی (۱)، مرگ مغزی (۲و۳)، اهداء عضو (۴)، اهداء گامت (۵)، رحم جایگزین (۶) و همچنین تشخیص سلامت یا وجود نقص ژنتیکی جنین در هفته های آغازین دوره بارداری، از جمله مواردی هستند که در میان فلاسفه اخلاق زیستی، الهی دانان و عالمان مذاهب مختلف، چالش بر انگیز شده است. بسیاری از مسائلی که بعضا برای حل مشکلات جامعه و یا به صورت حل یک مشکل فردی و یا برای درمان بعضی از بیماری ها، طراحی شده، باعث گردید تا دیدگاه های متفاوتی را از طرف اندیشمندان دینی و فلاسفه اخلاق، مشاهده نماییم. یکی از مسائل بسیار مهم و نسبتا جدید در حوزه علوم پزشکی، امکان شبیه سازی انسان از طریق به کارگیری تکنیک انتقال هسته سلول های غیر جنسی یا سوماتیک، به داخل تخمک است. این سئوال مطرح است، که آیا این کار با مبانی اخلاق و حق کرامت انسانی، سازگاری دارد. آیا این کار باعث سست شدن بنیان اصول اخلاقی و نقض آشکار آن نمی شود. سازمان بهداشت جهانی، شبیه سازی انسان را از نظر اخلاق اجتماعی غیر قابل قبول اعلام کرد. این سازمان با محکوم نمودن بکار گیری این تکنیک، آن را ناقض کرامت انسانی می داند (۷). پاپ ژان پل دوم نیز در بیانیه ها و نامه های متعدد خود، به کارگیری شبیه سازی برای انسان را محکوم نموده و آن را غیر اخلاقی اعلام نموده است. کلیسا در پیامی به کنفرانس زیست شناسی، پزشکی و جامعه، اعلام داشت که، اگر دانش ژنتیک فارغ از اخلاق اجتماعی باشد، تهدیدی برای کرامت انسانی محسوب می شود (۸). فقهای اهل سنت در دانشگاه الازهر، علاوه بر اینکه شبیه سازی را به طور مطلق حرام دانستند، خواستار اجرای حد محارب برای کسانی شدند که اقدام به این کار می نمایند (۹و۱۰). عالمان و فقهای شیعه، دیدگاه های واحدی را اعلام نکرده اند. بعضی از آنها به جواز یا اباحه چنین تکنیکی حکم کرده و یا اینکه وجهی برای حرمت آن نیافته اند. برخی از فقهای شیعه نیز انجام این عمل را مناسب ندانسته و با توجه به حفظ کرامت انسانی، حکم به حرمت آن نموده اند (۱۱و۱۲). با توجه به دعاوی بسیاری از دانشمندان علوم تجربی، فلاسفه علم اخلاق، جامعه شناسان، فقها و عالمان دینی که تقریبا در ناسازگاری شبیه سازی با کرامت انسانی، اتفاق نظر دارند، باعث گردیده تا این موضوع به یکی از بزرگترین چالش های علمی و اخلاق فردی و

[Downloaded from iahj.ir on 2026-10-15]

اجتماعی عصر حاضر تبدیل شود. مطالعه حاضر تلاش نموده تا نشان دهد این عمل ناسازگاری چندانی با کرامت انسانی نداشته و موجب تحقیر و نفی کرامت او نیست مگر آنکه تالی فاسد دیگری بر آن مترتب باشد.

مواد و روش ها

این مطالعه با استفاده از روش گردآوری کتابخانه ای طراحی گردید. از منابع معتبر اسلامی از جمله قرآن، سنت و سیره معصومان (ع)، کتب فقهی و احادیث و نیز منابع معتبر اخلاقی اندیشمندان معاصر بهره لازم گرفته شد. مقالات مربوط به چگونگی انجام مراحل شبیه سازی و روش های کمک باروری، از سایت های معتبر علمی جستجو گردید. تعدادی از مقالاتی که حسب موضوع، در خصوص شبیه سازی مبتنی بر فقه اسلام به ویژه فقه شیعه مطالبی را ارائه کرده بودند مد نظر قرار گرفتند. از نظرات فقهی و فتاوی علمای معاصر اهل سنت و فقهای شیعه که در مورد شبیه سازی اعلام گردیده بود، استفاده شد. دیدگاه اندیشمندان علوم تجربی، علمای مسیحی و آیین یهود و محققین حقوقدانی که در زمینه علوم تجربی به خصوص روشهای استفاده از شبیه سازی، تحقیق کرده بودند، مورد توجه این بررسی قرار گرفت. ایده و نظر سازمان بهداشت جهانی که بیشتر منتج از نظرات علمی دانشمندان تجربی است، دست مایه این مطالعه بوده است.

یافته ها

از نگاه قرآن کریم، انسان صاحب کرامت ذاتی است. قرآن به روشنی با آیه شریفه «لقد کرمنا بنی آدم» (۱۳)، بر حق کرامت ذاتی تاکید داشته و بسیاری از روایات نیز برکرامت ذاتی او تأکید دارند. درک نادرست از نوع انسان و ارائه یک چهره مخدوش برای آدم از عوامل کرامت ستیز هستند. کرامت انسانی همراه با حق حیات و حق برخورداری از امتیازاتی است که بر اساس قواعد اجتماعی، برای انسان پدید می آید. صرفا شباهت یک فرد نمی تواند کرامت انسانی را خدشه دار کند. شبیه سازی، شرایط یکسانی را در حفظ کرامت جنین با مراحل لقاح خارج رحمی دارد.

هویت ژنتیکی یکسان، ناقض هویت شخصی فرد نخواهد بود. شبیه سازی فقط بی همتا و بی مانند بودن سیستم ژنتیکی را به چالش می‌کشاند و به کلیت فرد متولد شده، کاری ندارد. شکل گیری شخصیت فرد شبیه سازی شده در محیط زندگی، کرامت انسانی او را نیز صیانت می‌کند. هیچیک از فقهای شیعه در ادله خود برحرمت شبیه سازی به دلیل نقض کرامت انسان، اشاره ای نکرده اند. کرامت انسانی از مفاهیم بنیادین و منتج از اندیشه بشر معاصر است.

هر گونه سازگاری با کرامت انسانی موجب پذیرش آن و ناسازگاری برخی از امور موجب حرمت و نفی آن می‌شود. برخی از متون کلیسای کاتولیک، معیار کرامت انسان را در حفظ حیات نطفه تشکیل یافته می دانند. در دین مبین اسلام نیز یکی از لوازم کرامت انسان، حفظ حق حیات است، لذا گرفتن جان انسان در هر مرحله از زندگی، نقض کرامت او است. در شبیه‌سازی، تلاش بر آن نیست که جان انسانی گرفته شود و یا اینکه به حیات کسی پایان داده شود. بلکه در شبیه سازی می توان تمام احتیاط لازم را بکار برد تا هیچگونه تهدیدی متوجه حیات بشر نگردد. دو قلوهای همسان با افراد شبیه سازی شده که از آن به عنوان دوقلوی پسین نام برده می شود، شرایط یکسانی در هویت ژنتیکی خود دارند. هویت ژنتیکی نمی تواند، دلیلی بر پایمال شدن یک حق نامشخص باشد. کرامت انسان مربوط به زایش او نیست. صرفا انجام آزمایش روی انسان، ناقض کرامت او نخواهد بود. می توان به این نتیجه دست یافت که شبیه سازی انسان مغایرتی با کرامت او ندارد.

بحث و نتیجه گیری

بی تردید از نگاه قرآن کریم، انسان به ما هو انسان، صاحب کرامت ذاتی است. قرآن به روشنی در آیه شریفه « لقد کرمنا بنی آدم» (۱۳)، بر حق کرامت ذاتی انسان تاکید می نماید (۱۴). همچنین بسیاری از روایات برکرامت ذاتی انسان اشاره دارند (۱۵). باید در نظر داشت که حق حیات، از لوازم و پیامدهای حق کرامت انسانی بوده و درک نادرست از نوع انسان و ارائه یک چهره مخدوش برای او از عواملی است که به عنوان مسائل کرامت ستیز، محسوب می شوند (۱۶).

کرامت انسانی زمانی موضوعیت پیدا می کند که، همراه با حق حیات و حق برخورداری از امتیازاتی باشد که بر اساس قواعد اجتماعی، برای انسان پدید می آید (۱۴، ۱۷). لذا توجه به جمع موارد یاد شده، کرامت را برای آدمی رقم می زنند گرچه مخالفان شبیه سازی به تعارض آن با حق کرامت انسانی، اشاره و استدلال نموده اند، یا این که واتیکان در پیامی به سازمان ملل تأکید دارد که شبیه سازی ضد کرامت و بر خلاف حق حیات انسانی است و صراحتا اعلام می دارد که؛ شبیه سازی انسان بدون توجه به اهدافش برضد کرامت انسانی و حق حیات آنان محسوب می گردد (۱۸). ولی این توجه لازم است که به چه منظور و برای رفع چه نیازی شبیه سازی صورت می پذیرد. به عبارتی این سئوال مطرح خواهد بود که آیا صرفا شباهت یک فرد باعث می گردد تا کرامت او مورد خدشه قرار گیرد، یا اینکه مسائل دیگری مثل احکام وضعی (۱۹) و یا احکام تکلیفی (۲۰) است که به عنوان شاخصی برای ادامه حیات یک فرد شبیه سازی شده اشکال ایجاد می کند.

اگر این استدلال صحیح باشد، لاجرم باید مصداق آن را در اهداء گامت و یا اهداء جنین نیز جستجو نمود. در ماده ۲ منشور حقوق خانواده چنین آمده است: «حیات انسانی باید به گونه ای مطلق از لحظه بارداری، محترم و حفظ شود. احترام به کرامت موجود انسانی، هر نوع بهره برداری آزمایشی یا استفاده و نابودی رویان انسانی را منع می‌کند» (۱۲).

این بند از حقوق خانواده، احتمالا به نوع بهره برداری و یا از بین بردن جنین انسان در رحم مادر اشاره دارد. لذا در شبیه سازی که انتقال هسته یک سلول سوماتیک به داخل تخمک است، نه سلول سوماتیک به تنهایی، یک جنین محسوب می شود و نه تخمک به تنهایی این ویژگی را دارد. در حقیقت انتقال هسته سلول سوماتیک به داخل تخمکی که هسته آن نیز خارج شده، نخستین قدمی است که برای تشکیل یک جنین برداشته می شود. با کمی توجه به این مسئله مشخص می شود که از زمان تشکیل جنین در مسئله شبیه‌سازی انسان، شرایط یکسانی را با مراحل In Vitro Fertilization خواهد داشت. لذا می توان به این نتیجه دست یافت که از نظر تجربی، شرایط یکسانی برای حفظ کرامت جنین تشکیل شده ناشی از روش شبیه سازی با آنچه در IVF اتفاق می افتد، رقم می خورد. ادله دیگری که در ناسازگاری

[Downloaded from iahj.ir on 2026-10-15]

شبیه سازی با کرامت انسانی بیان شده، مربوط به پایمال شدن هویت خود فرد است. در این مقوله دو دیدگاه وجود دارد.

گروهی معتقدند که با از بین رفتن هویت ژنتیکی، هویت شخصی فرد نیز از بین می رود. چون انسان متولد شده از لحاظ ژنتیکی شبیه فرد دیگری است. این فرد، هویت خاصی نخواهد داشت. درباره این که او چه کسی است و چه قابلیتی دارد و یا اینکه چه رفتارهایی را بروز خواهد داد، تردیدی وجود ندارد که شبیه فردی است که سلول سوماتیک اولیه از او بوده است. تخمک فقط به عنوان یک پرورش دهنده هسته 2n کروموزومی سلول سوماتیک عمل کرده و هیچگونه نقشی از نظر ژنتیکی در آن ندارد. به همین خاطر فرد متولد شده کاملا شبیه و کپی فردی است که سلول سوماتیک از او گرفته شده است. لذا مشخص است که امکان یک زندگی مستقل به معنای واقعی کلمه برای این فرد فراهم نخواهد بود (۲۱). اما به نظر می رسد که درستی این نظریه در خصوص داشتن یک زندگی مستقل قابل تردید باشد. چون همان افرادی که اقدام به شبیه سازی می‌نمایند، مسلما طی یک برنامه ریزی، اقدام به این کار خواهند نمود.

دیدگاه دوم به این مطلب اشاره دارد که شبیه سازی تنها هویت ژنتیکی او را با چالش مواجه می سازد و ارتباطی با هویت شخصی فرد ندارد. به عبارتی آنها قائلند که، شبیه سازی فقط بی نظیر و منحصر به فرد بودن سیستم ژنتیکی ما را به چالش می کشد و به کلیت فرد متولد شده، کاری ندارد (۲۲). این دیدگاه اشاره به یک بحث علمی دارد. چون در شبیه سازی هیچگونه جابجایی ژن صورت نخواهد پذیرفت. ژن های کد شده یک فرد بدون هیچ دستکاری به انسان دیگری انتقال می یابند. این ویژگی در تمام سلولهای فرد دهنده سلول سوماتیک وجود دارد. لذا شبیه سازی می تواند به صورت سریالی هم ادامه یابد. اما باید در نظر داشت که نوزاد متولد شده در شرایطی متفاوت از آنچه برای فرد قبلی فراهم بوده بزرگ خواهد شد. اگر این نوزاد در کنار مادر، دایه و یا هر سرپرست دیگری بزرگ شود، مسائل جدیدی را تجربه خواهد کرد. شاید گروه دوم متفاوت بودن شرایط زندگی این فرد را در نظر گرفته و شکل گیری شخصیت او را به آن تعمیم داده اند.

آیا شکل گیری شخصیت، کرامت انسانی را صیانت می کند. این سئوالی است که بسیاری با آن مخالفند. اسقف ویلتون گرگوری بر این باور است که؛ «شاید شبیه سازی هرگز سود بالینی نداشته باشد، اما حمله آن به کرامت انسانی آغاز شده است» (۲۳). ایشان در بیانیه ای، شبیه سازی انسانی را ناقض کرامت فرزندی یا ناقض کرامت خانواده و روابط زناشویی قلمداد کرده و با انجام آن مخالف است. این که چگونه شبیه سازی انسان ناقض کرامت است، تفسیرهای متعددی پیرامون آن وجود دارد. عده ای بر این باورند که تولید مثل انسان به روش غیر جنسی، موضوع ازدواج را خدشه دار کرده و کانون خانواده را نشانه می رود. لذا انجام این عمل را ناقض کرامت فرزندی یا انسانی و یا زناشویی می دانند (۱۲).

فقها و عالمان اهل سنت نیز شبیه سازی انسان را مغایر با کرامت و شرافت ذاتی انسان دانسته و فتاوی بسیاری از آن ها دال بر این است که، این عمل خطر بزرگی علیه کرامت انسانی بشمار می رود، لذا به مخالفت با شبیه‌سازی انسانی اقدام نموده اند (۲۴). برخی از مخالفان شبیه سازی، معتقدند که کرامت ذاتی انسان در چگونگی تولید مثل او، شکل باروری و زاده شدنش ترسیم می یابد، لذا هر کاری که تغییری در این شیوه ایجاد نماید، در حقیقت کرامت انسانی را نقض کرده است. به عبارتی، طبق این نگرش، شبیه سازی انسان با ترویج تولید مثل به شیوه غیر جنسی آن، کرامت انسانی را نقض می‌نماید (۲۵). برخی در مخالفت با شبیه سازی، گفته اند که کرامت انسان در ترکیب یافتن ژن های او است. هرگونه دستکاری در ترکیب وراثتی انسان، نقض کرامت او به شمار می رود (۹). بعضی از مفتی های سرشناس اهل سنت، همانند قرضاوی، صبری الدمرداش و هبه الزحیلی، براین نکته تاکید دارند که تبدیل نمودن انسان به مثابه حیوانات آزمایشگاهی به آنچه که در مسئله شبیه‌سازی اتفاق می افتد، با کرامت انسانی وی سازگاری ندارد (۲۶).

فقهای شیعه، در این خصوص نظرات متفاوتی را اتخاذ کرده اند. بعضی از آنها از جمله آیت الله سیستانی، آیت الله فاضل لنکرانی، آیت الله موسوی اردبیلی، آیت الله سید محمد صادق روحانی، آیت الله سید عزالدین زنجانی و آیت الله محمدحسین فضل الله، به مجاز بودن شبیه سازی فتوی داده اند. برخی هم مانند آیت الله جناتی آن را تنها درسطوح فردی و به گونه ای محدود مجاز می دانند (۲۷). عده ای از فقها همانند آیت الله مکارم شیرازی و آیت الله صانعی، به صورت اولی آن را حلال دانسته ولی به دلیل مفاسدی که ممکن است این عمل در پی خود داشته باشد، در حکم ثانوی آن را حرام می دانند (۲۸و۲۹). گروه چهارمی هم هستند مانند آیت الله جواد تبریزی، که اصل این عمل را حرام می شمارند (۲۷).

به نظر می رسد هیچیک از فقهای شیعه در ادله خود بر حرمت شبیه سازی به دلیل نقض کرامت انسان، اشاره نکرده اند. کرامت انسانی از مفاهیم بنیادین و منتج از اندیشه بشر معاصر است. هر گونه سازگاری با کرامت انسانی موجب پذیرش آن و ناسازگاری برخی از امور موجب حرمت و نفی آن می شود. لذا این سئوال مطرح است که چه دلائلی می تواند در ناسازگاری شبیه سازی با کرامت انسان، اقامه گردد. اگر گفته شود که بسیاری از این ادله‌ها از یک قوام، اتقان عقلی و نقلی برخوردار نیستند، چندان بعید به نظر نمی‌رسد.

اگر ارزیابی اصطلاح شبیه سازی را در معنی شناسی آن جستجو نمائیم، نظام معنایی کلیسای کاتولیک و دین مبین اسلام، می تواند راز گشای این مسئله باشد. این که معیار کرامت انسانی چیست وکدام کرامت انسانی در شبیه‌سازی مورد خدشه قرارمی گیرد به روشنی بیان نشده است. برخی از متون کلیسای کاتولیک، معیار کرامت انسان را در حفظ حیات نطفه تشکیل یافته می‌دانند. به همین خاطر بر این اعتقادند هر عملی که به نابودی جنین بیانجامد غیر اخلاقی و ناقض کرامت انسانی او است (۱۲). در دین مبین اسلام نیز یکی از لوازم کرامت انسان، حفظ حق حیات است، لذا گرفتن جان انسان در هر مرحله از زندگی، نقض کرامت او است (۱۶).

در شبیه سازی، تلاش بر آن نیست که جان انسانی گرفته شود و یا اینکه به حیات کسی پایان داده شود. بلکه در شبیه سازی می توان تمام احتیاط لازم را به کار برد تا هیچگونه تهدیدی متوجه حیات بشر نگردد (۱۲). در شبیه‌سازی انسان، از تخمکی استفاده می شود که از آن به عنوان یک جنین و یا انسان برداشت نمی شود.

در خصوص سلول های سوماتیک هم چنین نظریه‌ای وجود ندارد که از آن به عنوان یک انسان تلقی گردد. پس باید در نظر داشت که از بین رفتن هر کدام از آنها به تنهایی نمی تواند به معنای از بین بردن یک جنین و یا انسان

[Downloaded from iahj.ir on 2026-10-15]

باشد. اما این تلقی وجود دارد که بعد از قرار گرفتن هسته سلول سوماتیک در داخل تخمک آغاز تشکیل یک جنین رقم خورده است. اما این جنین تا زمانی که به داخل رحم انتقال داده نشود بعید به نظر می‌رسد که بتوان، حذف آن را نابود ساختن یک انسان دانست. دلیل مبرهن آن همان روندی است که عینا در تکنیک های کمک باروری اتفاق می‌افتد (۳۰).

در استفاده از روشهای IVF ممکن است در یک سیکل درمانی، به تعداد زیادی جنین تشکیل گردد. ولی به دلیل باردار شدن فرد مورد نظر دیگر نیازی به بقیه جنین های تشکیل یافته نباشد. جنین های اضافی سرنوشتی جز این ندارند که در صورت اهداء نشدن به دیگران، بدون آنکه دفعتا از بین رفته باشند، باید به مرور حذف گردند. حال این سئوال مطرح است، که آیا این عمل برخلاف کرامت انسانی است. هم تجربه و هم نظر علمی بسیاری از متخصصین ناباروری و به صورت اولی نظر بسیاری از متخصصین علوم مذهبی، خلاف آن را ثابت می‌کند. لذا می توان به این استدلال دست یافت که به جهت مشابهت این موضوع با آنچه در شبیه سازی اتفاق می افتد، به لحاظ نگاه حفظ حیات جنین البته قبل از قرار گرفتن در رحم، نقض غرض کرامت انسان محسوب نمی‌شود.

شکل دوم این موضوع که آن را دال بر غیر اخلاقی بودن شبیه سازی انسانی می دانند، داشتن هویت منحصر به فردی است که برای تمامی انسان‌ها، مطرح است. اگر مراد از هویت ژنتیکی، همان مجموعه ژن های موجود در یک سلول اعم از ژن های هسته ای و یا ژنهای فراهسته ای در میتوکندری وکلرو پلاست باشد، این هویت برای همه منحصر به فرد و بی‌نظیر است. حتی دو قلوهای همسان و افراد شبیه سازی شده که از آن به عنوان دوقلوی پسین نام برده می شود، باز هم دارای چنین هویتی هستند (۳۱). ولی اگر منظور از هویت ژنتیکی فقط محتوای ژنتیکی موجود در هسته سلولی است، که به نظر می رسد به اعتقاد آن ها چون این هویت بین فرد شبیه سازی شده و نفر اول، مثل هم می باشد، لذا حق هر فرد نسبت به بی نظیر بودن هویت ژنتیکی او دچار خدشه می شود.

بعضی از محققین بر این باورند که، یکی از دلائل اصلی در حفظ کرامت انسانی، به این صورت است که هر فرد ژنوم هسته ای منحصر به خودش را داشته باشد. اما اینکه اگر چنین روندی حاصل نشود، آیا کرامت انسانی دچار خدشه خواهد شد یا نه، جای تامل دارد. گرچه این سئوال به قوت خودش باقی است ولی موارد مشابه آن را در دو قلوهای همسان چگونه می توان ارزیابی نمود. دوقلوهای همسان دارای ژنوم هسته ای یکسان بوده و سالانه صدها دوقلوی یکسان پا به عرصه وجود می گذارند و بدیهی است که هیچ تفاوتی بین کرامت انسانی آنها و بقیه نوزادان متولد شده وجود نداشته و همه آنها از کرامت ذاتی انسانی برخوردارند (۳۲).

درمان ناباروری با استفاده از IVF، روش نوینی است که باعث افزایش دوقلو زایی شده و با تولد یک مورد دوقلو از هر چهار IVF، نرخ آن را حدود ۲۰ برابر نسبت به حالت طبیعی افزایش داده است (۳۳). با این فرض اگر بخواهیم بر اساس نظر آنهایی عمل نمائیم که، داشتن ژنوم یکسان خدشه ای به کرامت انسانی خواهد بود، یا باید بپذیریم که تمام دوقلوهای متولد شده از جمله دوقلوهایی که به طور افزایشی در استفاده از روش های کمک باروری به دنیا می آیند، هویت مشخص و منحصر به فردی را ندارند و یا اینکه ضمن حذف نمودن روش جدید برای کمک به زوجین نابارور، باید برای دوقلوهای متولد شده به صورت طبیعی هم تئوری جدیدی را ارائه نمود.

قطعا هیچ یک از موارد یاد شده نمی تواند درست باشد. بلکه باید گفت که هویت ژنتیکی گرچه در جای خود به عنوان یک بعد علمی معنی پیدا می‌کند. یعنی هر کسی دارای مجموع ژن هایی است که در وجود او قرار دارد و می تواند با در نظر گرفتن تکرار آن، مشابهی همانند خود داشته بدون اینکه آسیبی به قلوی خود زده باشد. یا اینکه این آسیب متوجه کسی باشد که از روی نسخه ژن فرد دیگر شبیه سازی شده است. به هرحال واژه هویت ژنتیکی نمی‌تواند دلیلی بر پایمال شدن یک حق نامشخص باشد و این عمل منطقی به نظر نمی رسد (۳۱).

عالمان اهل سنت در مخالفت با شبیه سازی به سه نکته اشاره دارند. اول اینکه از نظر اخلاقی آن را، در ضدیت با کرامت انسانی می دانند. در نقد سخن آنان دارد، اگر مراد از نقض کرامت انسانی در شبیه سازی، نحوه زایش او است، باید گفت که کرامت انسان مربوط به زایش او نیست. در زایش انسان و بسیاری از حیوانات تفاوتی وجود ندارد. پس چگونه می توان انسان را به خاطر نوع زایش او صاحب کرامت دانست، ولی حیوانات از آن بی بهره باشند.

دومین اشکال اینکه اگر شبیه سازی ناقض کرامت است، چرا مساله لقاح خارج رحمی را نقض کرامت انسانی به حساب نمی آورند و آن را حرام نمی شمارند (۱۲). اشکال بعدی به مجموعه سیستم ژنتیکی افراد بر می گردد. آنها بر این باورند که هرگونه دستکاری در این ترکیب به نقض کرامت انسان می انجامد. از این منظر چون ژن ها در شبیه سازی انسان مورد دستکاری قرار می گیرند لذا ناقض کرامت او است. درنقد این سخن باید گفت که فقهای بزرگ اهل سنت مثل قرضاوی، هبه زحیلی و رافت عثمانی، اگر هر نوع دستکاری درمانی را قبول داشته باشند، چگونه قابل تعمیم به شبیه سازی نباشد.

یکی از دلائل دیگری که در خصوص کرامت انسان ذکر می کنند، اشاره به انواع آزمایش هایی است که برای دست یابی به نکات علمی جدید روی حیوانات مختلف صورت می پذیرد. آنان معتقدند که انسان با موجودات دیگر تفاوت داشته و نباید مانند حیوانات مورد آزمایش قرار گیرد. لذا انجام اینگونه آزمایش ها را مغایر با کرامت انسانی می دانند.

کاملاً واضح است که اینگونه استدلال نمی تواند درست باشد. به هیچوجه نمیتوان هیچگونه آزمایشی را روی انسان انجام نداد. واضح است که برای دست یابی به روش های درمانی جدید، تاثیر انواع دارو ها، روش ها و تکنیک های جراحی تا رسیدن به یک راه حل مطلوب نیاز خواهد بود تا اگر آزمایشی روی حیوانی انجام پذیرفت و قابل تعمیم به انسان بود، لاجرم باید روی انسان نیز در بوته آزمایش گذاشته شود یا اینکه چگونه می توان به یک روش قابل قبول به عنوان مثال در انجام روش های کمک باروری دست پیدا نمود، بدون اینکه جسم انسان دخیل نباشد. لذا باید به این نتیجه دست یافت که صرفا انجام آزمایش ناقض کرامت انسان نخواهد بود (۱۲). حال اگر به این نتیجه رسیدیم که تحت آزمایش قرار گرفتن انسان مغایرتی با کرامت انسانی او ندارد، باید قوانینی را وضع نمود تا در راستای انجام هر گونه آزمایش روی انسان، آسیبی به او نرسد و برخوردی در شان و حفظ صیانت او صورت پذیرد. پژوهش حاضر با تحلیل و ارزیابی همه ادله ارائه شده از سوی دانشمندان

[Downloaded from iahj.ir on 2026-10-15]

مسیحی، آئین یهودیت، عالمان اهل سنت، فقهای شیعه و دانشمندان علوم تجربی، به این نتیجه دست یافت که شبیه سازی انسان می‌تواند مغایرتی با کرامت او نداشته باشد.

تقدیر و تشکر

بدینوسیله از زحمات تمام عزیزانی که به هر نحوی ما را در تنظیم این مقاله یاری کرده اند، کمال تقدیر و تشکر را داریم.

[Downloaded from iahj.ir on 2026-10-15]

References

1. Nikzad A, Jorsaraei SGA. Euthanasia in Islamic Perspective. J Babol Uni Med Sci 2013; 15(1): 40-8. [In persion]
2. Wijdicks EF. Brain death. Handb Clin Neurol 2013; 118: 191-203.
3. Mikaniki A, Mikaniki F, Abolhosseini AA. Jurisprudence and legal assessment of brain death. J Babol Univ Med Sci 2013; 15(1): 101-5. [In persion]
4. Tumin M, Noh A, Mohd Satar N, Chin-Sieng C, Soo-Kun L, et al. Organ donation in Muslim countries: The case of Malaysia. Ann Transplant 2013; 18: 671-6.
5. Rees A. Keeping mum about dad: "contracts" to protect gamete donor anonymity. J Law Med 2012; 19(4): 758-68.
6. Ramskold LA, Posner MP. Commercial surrogacy: how provisions of monetary remuneration and powers of international law can prevent exploitation of gestational surrogates. J Med Ethics 2013; 39(6): 397-402.
7. World Health organization cloning in Human Health. Fifty second World Health Assembly. A 52/12. 1999; pp 1-3. Available at: http://apps.who.int/gb/archive/pdf_files/WHA52/ew12.pdf
8. Ohara N. Ethical consideration of experimentation using living human embryos: the Catholic Church's position on human embryonic stem cell research and human cloning. Clin Exp Obstet Gynecol 2003; 30(2-3): 77-81.
9. Riaz AO. Cloning in the Islam, Jordan, Oman, Dar-al-Osame, 2003; p 136.[Arabic]
10. Al-ashqar MS. Abhas ijtehade in Medical Jurisprudence. Bayroot, al-resale Institute 2002; p 38 [Arabic]
11. Yadollahpour B, The Theory of Euthanasia. J babol Uni Med Sci 2013; 15(1): 56-60. [In persion]
12. Eslami Ardakani SH. Human cloning in catholic and Islamic prespective. Uni of Religions press 2008, p 153& 330. [In persion]
13. Holey Quran, Sura 17, Verse 70.
14. Yadollahpour B, Human dignity in Quran, Qom, Adyan 2013; 1: p 251. [In persion]
15. Ameli, Shaikhe Hor, Shiah's instruments (Vasayelo l shiee), Bayroot, Dar ol Ehya ol torath ol arabi, first ed. 1987; (13)، p 53. [Arabic]
16. Yadollahpour B. Human Dignity and Its Consequences in the Holy Quran, International Conference on Sociality and Economics Development, (ICSED) 2011; P 553 [In persion] http://hekmat49.blogfa.com/post/31
17. Yadollahpour B, Yosefi A. Euthanasia According to Islamic, J babol Uni Med Sci 2013; 15(1): 50-55. [In persion]
18. Isasi RM, Knoppers BM, Singer PA, Daar AS. Legal and Ethical Approaches to Stem Cell and Cloning Research: A Comparative Analysis of Policies in Latin America, Asia, and Africa. J of Law, Med & Ethics 2004; 32(4): 626–40.
19. Nikzad A, Jorsaraei SGA. Gamete donation ordinances of the situation. J of Babol Uni Med Sci 2008; 9(3), 54-62. [In persion]
20. Nikzad A, Jorsaraei SGA. Gamete donation with holding of the situation. J of Babol Uni of Med Sci, 2006, 8(3): 111-9. [In persion]
21. Larijani B, Zahedi F. Islamic perspective on human cloning and stem cell research. Transplant Proc. 2004; 36(10): 3188-9.
22. Brock DW, Human Cloning and Our Sense of Self. Sci. 2002; 296(5566): 314-6.
23. Khomaini R, Tahrir ol vasile, Tehran, Institution of setting and printing Imam khomaini's works, forth print, 2003; 4: p 514. [In persion]
24. Mesbah A, Cloning between Science and Religion, Cairo, alA dar Al egypt, Al-Lebnani 2002; p 43. [Arabic]

[Downloaded from iahj.ir on 2026-10-15]

25. Barzanji MT. Adely Sh Gh. The operations of children in emryo cloning. Al-boshra in System of Islamic law, Beirut, Institute of al- resale, 2002; p 102. [Arabic]
26. Al-demrash S. Cloning is Bomb, al-Riaz, school Al-abikan, 1997; p 92. [Arabic]
27. Azimi H. Human cloning in Islamic Jurisprudence. Islamic Human Rights Studies Quarterly, First year, 2012; (1): 117-37. Available at: http://www.basijasatid.ir/sites/default/files/bakhsh_5.pdf
28. Alian Nezhad A. jurisprudential perspective of Ayatollah Makarem Shirazi about two problems, cloning and exit of Usury. Journal of Research and Seminary, 2011; (6): p 27. Availabale at: noormags.com/view/fa. [In persion]
29. Sanei Y, Medicine Judgment, Qom, Maisam Tammar Publication. 1376; p 82. [In persion]
30. Baylis F. Human embryonic stem cell lines: the ethics of derivation. J Obstet Gynaecol Can. 2002; 24(2): 159-63.
31. Mohamadi A. Human cloning scientific Ethical, legal and Religious Aspects. 2008; p 343. [In persion] Available at: http://ijme.tums.ac.ir/files/site1/user_files_db0c9d/azam-A-10-61-196-75df9d3.pdf
32. Harris J, Goodbay D, The ethics of human cloning in Ethics in practice: An Anthology, 2nd ed. Oxford: blakweel 2002; p 201.
33. Tandberg A, Bjørge T, Børdahl PE, Skjaerven R. Increasing twinning rates in Norway, 1967-2004: the influence of maternal age and assisted reproductive technology (ART). Acta Obstet Gynecol Scand. 2007; 86(7): 833-9.

[Downloaded from iahj.ir on 2026-10-15]

Islam and Health Journal
Babol University of Medical Sciences

Babol Univ. of Med. Sciences
Islam and Health Journal/ 2014; 1(1): 16-23

Adaptability of Human Munificence with Cloning

Received: 19 Apr 2014 Accepted: 17 May 2014

Yadollah Pour MH (PhD)[1]
Jorsaraei GA (PhD)[2]*

1. Associate Professor and scientific mission member of Islamic thought, educational group in Babol University of Medical Sciences, Babol, Iran
2. Associate Professor and Academic member of Anatomy and Embryology, Fateme Zahra, Infertility & Reproductive, Babol University of Medical Sciences, Babol, Iran

*Corresponding Author:
Jorsaraei GA, Fateme Zahra, Infertility & Reproductive Health Research Center. Babol University of Medical Sciences, Babol, Iran

Tel: +98 11 32199936
Fax: +98 11 32192033
Email: alijorsara@yahoo.com

Abstract

Introduction: One of the important challenges in medical sciences is human cloning nowadays. This subject makes many questions among the researches, bioethics philosophers, religious scholars especially Shia and Sunni jurists. Since one of the most important reason of human cloning opponents is its conflict and incompatibility with human munificence. This study aimed at investigating the adaptability and the lack of conflict between human cloning and munificence.

Methods: This study had been designed to evaluate the human munificence by using Quran, Traditions and the ideas of Religious Scholars and Theologians. In addition, the articles that had been presented comments on cloning were used in the present study.

Findings: From Quran point of view, the human being possesses inherent munificence. Cloning has the same situation in protection of embryo munificence with extra uterine fertilization process. The same genetic identity is not adversative of individual identity. In the cloning, the restriction of genetic system has been challenged and has not specific relationship with the general character of human. The formation of personality of cloning person in the environment protects human munificence. None of the Shia jurists has declared that cloning is the evidence of violation of human munificence. Human cloning has not conflict with his munificence.

Conclusion: The lack of conflict between cloning and munificence were obtained by exact investigation about this. Moral reasons that disagree with human cloning are not firm. It seems that there are not the traditional and rational reasons in incompatibility of human cloning with his inherent munificence.

Keywords: Quran, Cloning, Organism, Islam, Personhood

[Downloaded from iahj.ir on 2026-10-15]